

مسئولیت بدون تقصیر

رضا اصغری (کارشناس و مدرس دانشگاه پیام نور)

مقدمه:

مسئولیت مدنی را می‌توان به الزام قانونی شخص بر جبران خسارت وارد شده به دیگری تعریف کرد و آن را درواقع مکافات عملی که موجب ورود زیان شده است، قلمداد کرد. این مسئولیت در مواردی که تحقق تقصیر مسلم باشد براحتی قابل درک است؛ اما در مواردی که تقصیری صورت نپذیرفته و شخص به صرف انجام عمل موجب زیان، ملزم به جبران آن دانسته می‌شود، ممکن است مخالف موازین عادلانه به نظر رسیده و این سؤال را به ذهن متبادر کند که چرا شخصی که در ورود خسارت به دیگری هیچ‌گونه عمد یا مسامحه‌ای نداشته، قانون، اصل و فرض مسئولیت وی را مقرر می‌کند؟ و اینکه اساساً مفهوم و شرایط مسئولیت بدون تقصیر و مصادیق قانونی آن در نظام حقوقی ایران کدام است؟ در مباحث ذیل و در پاسخ به سؤالات فوق، این مسئولیت مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار اول: تحلیل حقوقی مسئولیت بدون تقصیر:

مسئولیت بدون تقصیر، چنانکه از نام آن پیداست، الزام قانونی عامل زیان به جبران خسارت بدون لحاظ بی‌تقصیری اوست و در مواردی که چنین مسئولیتی مقرر است، صرف انجام فعل زیانبار و احراز رابطه سببیت میان آن و خسارت وارد شده کفایت می‌کند. این نوع مسئولیت که مسئولیت عینی نیز نامیده می‌شود، در راستای حفظ منافع و مصالح اجتماعی و رعایت حقوق متقابل افراد پیش‌بینی شده و فلسفه وضع آن در نظام‌های حقوقی چیزی جز آن نیست. «ژوسران» حقوقدان فرانسوی، در دفاع از وجود این مسئولیت می‌نویسد: «هرجا فاعل فعل زیانبار بی‌تقصیر است، تحمیل زیانها بر متضرر و زیان‌دیده که هیچ‌گونه نقشی در پدید آمدن آن نداشته، یک نوع بی‌عدالتی است و زیان‌زننده باید جبران آن را به عهده بگیرد».^(۱)

مسئولیت بدون تقصیر که به دلیل توجه خاص به زیان دیده، در اکثر نظام‌های حقوقی، استثنایی بر اصل احراز و اثبات تقصیر است؛ درعین حال، خود نیز متضمن استثنایی مبتنی بر رفع مسئولیت کسی است که وجود قوه قاهره اعم از پدیده‌های طبیعی و سماوی و نیز تقصیر ثالث یا زیان دیده را ثابت نماید.

البته در صورتی که ثابت شود مصادیق فوق، علت منحصر در وقوع حادثه بوده، رافع ضمان خواهد بود، والاّ مسئولیت عامل زیان همچنان باقی است و تنها متضمن این فایده است که دخالت دو عامل در تحقق خسارت را ثابت نموده و موجب تقسیم مسئولیت میان طرفین می‌شود. فرضاً اگر راننده بتواند تا این حد را ثابت کند که عابر زیان دیده ناگهان به‌وسط خیابان پریده و در وقوع تصادف مؤثر و مقصر بوده است، با وی در تحمل خسارت سهیم و شریک خواهد گردید.

مسئولیت بدون تقصیر در راستای نظریه‌ای است که اساساً تقصیر را در زمره ارکان ایجاد مسئولیت نمی‌داند و عامل را به صرف انجام فعل موجب زیان، ملزم به جبران آن می‌شمرد. به موجب این نظریه که به «ایجاد» خطر معروف است، هر کس که فعالیت می‌کند محیط خطرناکی را برای دیگران به وجود می‌آورد و کسی که از این محیط بهره می‌برد می‌باید ضررهای ناشی از آن را جبران نماید؛ نه کسی که هیچ نکرده و نفعی نبرده است؛ پس مبنای مسئولیت مدنی مکافات، تقصیر نیست، بلکه عوض سودی است که شخص از ایجاد آن محیط خطرناک برده است.^(۲) این نظریه که برخی حقوقدانان عرب آن را تحت عنوان «نظریه تحمل التبعه» مورد بررسی قرار داده‌اند،^(۳) در اواخر قرن نوزدهم و در جهت کاهش خطرهای ناشی از تحولات صنعتی و اقتصادی شکل گرفت و در فرانسه، حقوقدانانی چون «سالی» و «ژوسران» در ایجاد آن نقشی اساسی داشتند. به نظر آنان، تقصیر که مبنای فرضیه مسئولیت مدنی است، برای پاسخگویی به نیازهای جامعه کافی نبوده و در شرایط رو به رشد اقتصادی و صنعتی، اثبات آن، کار دشواری است که نوعاً زیان دیده از انجام آن عاجز و ناتوان است. بنابراین، تحمل خسارت از ناحیه وی، ناقض انصاف و موازین عادلانه خواهد بود. همچنین، وجود این مسئولیت موجب کاهش سوانح کار یا سوانح زندگی نیز می‌گردد؛ با این

توضیح که اگر هرکس خود را مسئول جبران خسارات‌های بداند که از عمل او (ولو بدون تقصیر) حادث شده، ناگزیر به رعایت احتیاط و دقت در رفتار شغلی و اجتماعی خود می‌شود و این طریق، نتیجه پیشگیرانه‌ای نیز خواهد داشت. (۴)

در این خصوص باید گفت، مفاد نظریه ایجاد خطر، به دلیل بی‌توجهی محض به عنصر تقصیر و قائل‌شدن به حکومت مطلق این مسئولیت، نه به آن شکل، بلکه صورت محدودی در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده و چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، اصل، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است و استثنائاً در مواردی بنابه ملاحظات خاص، شرط‌بودن عنصر تقصیر نادیده گرفته می‌شود.

گفتار دوم: مصادیق قانونی مسئولیت بدون تقصیر در نظام حقوقی ایران:

یکی از مصادیق بارز وجود مسئولیت بدون تقصیر در قوانین ایران، قانون مدنی است که در موارد اتلاف، غصب و سایر ایادی ضمانی، بدون اشاره‌ای به تقصیر، تلف‌شدن مال دیگری را موجب ضمان و مسئولیت عامل آن دانسته و توجهی به عمد یا غیرعمد بودن فعل زیانبار نکرده است.

ماده (۳۲۸) قانون مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از این‌که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد، اعم از این‌که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن است.» لذا در اتلاف صرف، احراز رابطه سببیت میان فعل و نتیجه حاصل‌شده در ایجاد مسئولیت فاعل کفایت می‌کند و در همین راستاست که صغیر و مجنون، ملزم به جبران خسارت‌هایی هستند که از فعل آنان حاصل شده باشد.

اتلاف در قانون مدنی بر مبنای قاعده فقهی «من اتلف مال‌الغیر فهو له ضامن» بنا شده و به تعبیر اصولیین، قاعده‌ای است «اصطیادی» که از مضمون آیات و روایات به دست آمده است.^(۵) این قاعده که در مسئولیت به جبران خسارت اطلاق دارد، علاوه بر فقد تأثیر تقصیر یا عدم آن، علم متلف به زیان‌باربودن و یا ضمان‌آوردن عمل را نیز شرط نمی‌داند؛ لذا اتلاف خواه با علم به حکم و

موضوع و یا جهل نسبت به هر دو یا هر کدام از آنها صورت پذیرد، تأثیری در رفع و یا کاهش مسئولیت نخواهد داشت.

مورد دیگر پذیرش مسئولیت بدون تقصیر در قانون مدنی، جایی است که قانون به نوعی سختگیری نسبت به افرادی که متعرض حقوق و اموال دیگران شده و یا به گونه‌ای به تضییع حق آنان اقدام کرده‌اند، متوسل می‌شود. یکی از این موارد، غصب است که در ماده (۳۰۸) این گونه تجلی یافته: «غصب، استیلا بر حق غیر است به نحو عدوان. اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است.»

همچنین ماده (۳۱۵) نیز مقرر می‌دارد: «غاصب، مسئول هر نقص و عیبی است که...» لذا در غصب، استیلا بر حق غیر از راه نامشروع و بدون رضای مالک، منتج به مسئولیت غاصب می‌گردد و مبنای آن نیز تجاوز و تعرض به حق دیگری است. مسئولیت مقرر در این ماده حتی از حکم ماده (۳۱۵) در اتلاف نیز سنگین تر و به عبارتی کاملاً غیرقابل رد است؛ چرا که در اتلاف و اکثر مصادیق قانونی مسئولیت بدون تقصیر - چنان که پیش تر اشاره شد - استثنائاً یک راه گریز متصور بوده و آن، اثبات وجود قوه قاهره (در فرض علت منحصر ورود خسارت) است؛ لیکن در غصب و در اجرای عبارت مشهور «الغاصب یؤخذ بأشَدّ الاحوال»، چنین گشایشی نیست و شق آخر ماده (۳۱۵) قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «... اگرچه مستند به فعل او نباشد»، جای بحثی در این خصوص باقی نخواهد گذاشت.

موارد دیگر ید ضمانی در قانون مدنی نیز مبتنی بر مسئولیت بدون تقصیر است؛ مانند ماده (۶۱۶) قانون مدنی که حکمی مشابه ماده (۳۱۵) داشته و از مسئولیت‌های بدون تقصیر و در عین حال غیرقابل رد است. به موجب این ماده: «هرگاه رد مال و دیعه مطالبه شود و امین از رد آن امتناع کند، از تاریخ امتناع، احکام امین بر او مترتب نشده و ضامن تلف و هر نقص و عیبی است که بر مال و دیعه حاصل شود؛ اگرچه تلف یا نقص مستند به فعل او نباشد.» ماده (۴۹۳) نیز که مقرر می‌دارد: «اگر مستأجر نسبت به عین مستأجره تعدی و تفریط نماید ضامن است؛ اگرچه نقص در نتیجه تعدی و تفریط حاصل نشده است»، مثال

دیگری از مصادیق قانونی این نوع مسئولیت در دوره ید ضمانی است؛ با این تفاوت که در این ماده ذکر از بی تأثیری استناد یا عدم استناد زیان به فعل فاعل به میان نیامده؛ و نقش و تأثیر اثبات قوه قاهره در آن منتفی نیست.

از آنجا که تعدی و تفریط و نیز امتناع از رد مال امانی، یکی از مصادیق اعمال تقصیری است، ممکن است این اشکال را به ذهن متبادر کند که عنصر تقصیر در این مسئولیت‌ها وجود دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. پاسخی که در این خصوص می‌توان داد، این است که تقصیر در مثال‌های فوق و نیز در تمامی مواردی که یدامانی به ضمانی مبدل می‌گردد، زمینه‌ساز و بسترساز مسئولیت‌پذیری است، نه موجب و موجد آن. بنابراین، قانونگذار، امنیت مفروض مستأجر، مستودع و مانند آن را در صدمات احتمالی وارد شده به شیء، زایل کرده و با یک تدبیر تنبیه‌آمیز، آنها را در شرایط خاصی از نظر تحمل مسئولیت قرار می‌دهد؛ پس آنچه که شرط تحقق این مسئولیت است، تقصیر نیست؛ بلکه مانند مورد عصب، هر فعلی است که موجب زیان شود، حتی اگر شخص ثالث یا قوه قاهره، علت و عامل آن باشند.

در تشریح این نصوص قانونی همچنین می‌توان گفت، اموال و حقوق مالی افراد محترم است و کسی حق ندارد متعرض آن گردد و یا از رد آن به صاحبش خودداری ورزد. این معیار و اصل مهم اخلاقی دارای اهمیت زایدالوصفی در سطح روابط متقابل مردم و نیز ضامن حفظ و ثبات انتظام اجتماعی است؛ بنابراین، در جهت تحقق این هدف، قانونگذار قانون مدنی استثنائاً در مواردی شخص را مسئول جبران هرگونه زیانی می‌داند که در دوره تصرف ضمانی مال بر آن وارد شود؛ ولو این که مستند به تقصیر و یا حتی فعل او نیز نبوده باشد.

مصدق قانونی دیگر پذیرش مسئولیت بدون تقصیر در نظام حقوقی ایران، قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی مصوب ۱۳۴۷ است که مقرر می‌دارد: «کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و انواع یدک و تریلر متصل به وسایل مزبور، مسئول جبران خسارت‌های بدنی و مالی هستند که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد شود...»

این قانون، هشت سال پس از وضع قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹) که متضمن مسئولیت مبتنی بر اثبات تقصیر بود، در جهت اعمال دقت و احتیاط بیشتر و در نتیجه، کاهش حوادث رانندگی وضع گردید؛ زیرا ماده (۱) و دیگر مواد قانون مسئولیت مدنی به دلیل محور بودن تقصیر در تحقق ضمان، پاسخگوی این نیاز اجتماعی نبوده و خسارات جانی و مالی بی‌شماری به واسطه عدم توانایی و یا امکان اثبات تقصیر عامل زیان، بلاجبران می‌ماند؛ زیرا به موجب این ماده: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده است، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» بنابراین، قانونگذار با وضع قانون بیمه اجباری.... در صدد برآمد که ترمیم زیان‌های ناشی از حوادث رانندگی را تضمین و دعاوی ناشی از آن را تسهیل کند؛ و دارنده اتومبیل را (به لحاظ ایجاد محیط خطرناک) مسئول شمرده و اثبات بی‌تقصیری را در رهایی وی از مسئولیت مؤثر ندانسته است. تنها استثنایی که بر حکم مقرر در این قانون نیز می‌توان وارد دانست، موردی است که نقش قوه قاهره به عنوان علت منحصر و قاطع رابطه سببیت میان فعل زیانبار و ورود خسارت ثابت شود؛ که این امر، رافع مسئولیت دارنده و مبین این حقیقت خواهد بود که قانون، داشتن وسیله نقلیه موتوری را نوعی اماره مسئولیت قلمداد نموده است.^(۶)

یکی از نکاتی که ذکر آن ضروری می‌نماید، مقایسه ماده (۳۲۸) قانون مدنی (مبتنی بر مسئولیت بدون تقصیر) و ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی (متضمن مبتنی بر تقصیر) است؛ چنان که پیش‌تر بیان گردید، ماده (۳۲۸) قانون مدنی در باب اتلاف، انجام عمل زیانبار را موجب ضمان دانسته و اثبات تقصیر را شرط ننموده؛ در حالی که ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی به صراحت، صدمات و لطمات ناشی از عمد یا مسامحه را ضمان آور و موجب مسئولیت دانسته است. در این خصوص، برخی حقوق‌دانان قایل به نسخ ماده (۳۲۸) قانون مدنی (قانون مقدم) بوده و اذعان داشته‌اند که ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی (قانون مؤخر)،

مسئولیت مبتنی بر تقصیر را بیان کرده و مواد (۳۲۸)، (۳۲۱)، (۳۲۲) قانون مدنی را در قسمتی که منافی و مغایر آن است، نقض می‌نماید.^(۷) بعضی نیز به عدم نسخ معتقد بوده و بیان داشته‌اند که مفهوم مخالف ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی صرفاً دلالت بر عدم قبول مسئولیت بدون تقصیر دارد، نه چیز دیگر؛ همچنین، باتوجه به وضع قانون بیمه اجباری، حفظ مصالح اجتماعی، تحقق عدالت و نیز رعایت اصل عدم نسخ قانون خاص قدیم به وسیله قانون عام جدید، اساساً تعارضی بین این دو متصور نبوده و باید حکم ماده (۱) را به‌عنوان اصل و قاعده‌ای در محوربودن تقصیر و حکم مواد قانونی متضمن مسئولیت نوعی را، استثنایی بر این اصل دانست.^(۸)

در این خصوص باید گفت، نظریه دوم با اصول و قواعد پذیرفته شده در نظام حقوقی ایران سازگاری و منطبق است؛ زیرا وضع قانون بیمه اجباری مبتنی بر مسئولیت بدون تقصیر و نیز ابقای مواد یادشده قانون مدنی در اصلاح این قانون به سال ۱۳۶۱، دلالت بر عدم قصد نسخ قانون مدنی در این خصوص دارد. همچنین، از آنجا که وجود رابطه سببیت عرفی، ملاک و معیار انتساب زیان به شخص و در نتیجه مسئول شمردن اوست؛ و در این تشخیص، عرف، سبب مقصر را مسئول می‌شمارد، می‌توان اصل بودن مسئولیت مبتنی بر تقصیر و در نتیجه، اعتبار استثنائات واردشده بر آن را مستفاد نمود.^(۹)

نکته دیگر، مقایسه ماده (۱) قانون بیمه اجباری.... (مسئولیت بدون تقصیر) با ماده (۳۳۵) قانون مدنی و ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی (مسئولیت مبتنی بر تقصیر) است. در بادی امر ممکن است چنین به ذهن متبادر شود که اساساً موضوعیت ماده (۱) قانون بیمه اجباری.... در جایی است که تقصیری رخ نداده باشد، والاّ دیگر جایی برای اجرا و اعمال قانون فوق نمی‌ماند و با وجود تقصیر طرف مقابل، ماده (۳۳۵) قانون مدنی و ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی، بر موضوع حکومت خواهند داشت. این تصور صحیح نیست؛ زیرا از مطالعه مواد (۳۳۸) قانون مدنی و خصوصاً ماده (۱) قانون بیمه اجباری، می‌توان دریافت که قانونگذار به لحاظ ایجاد محیط خطرناک توسط دارنده اتومبیل، آن را اماره‌ای بر

مسئولیت وی دانسته و نظر به وضعی داشته است که عامل دیگری در وقوع حادثه دخیل نبوده؛ والا در مواردی که تقصیر طرف، منتج به خسارت شده است، (در غیر فرض قوه قاهره و علت منحصر)، مبین آن خواهد بود که واقعه زیانبار، دو مسئول دارد. لذا وفق ماده (۳۳۵) قانون مدنی و نیز ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی، شخص مقصر به تناسب تقصیر خود و طرف دیگر هم به واسطه مسئولیت نوعی و بدون تقصیر، ملزم به جبران خسارت وارد شده هستند و در فرضی نیز که تقصیر طرف، علت منحصر بوده است، رابطه سببیت میان فعل و نتیجه حاصل شده برقرار نشده و معلوم می شود که محیط خطرناک ایجاد، مداخلیتی در وقوع حادثه نداشته است.

جمع بندی و نتیجه گیری:

مسئولیت مدنی و مبنای ایجاد آن، موضوع مهم و تأثیرگذاری در روابط متقابل افراد و عاملی در تأمین نظم و امنیت اجتماعی است. در این رابطه قایل شدن به وجود یک مبنای مسئولیت ساز، به تنهایی توان اقناع نیازها و حوائج جامعه را در نظام های پویا و منطق مدار نداشته و لزوم پذیرش مبانی دیگر به تناسب مورد، نیاز محسوس و مسلم چنین جوامعی است.

آنچه که از مطالعه قوانین مدون ایران در این خصوص مستفاد می شود، محوربودن اصولی تقصیر در تحقق مسئولیت است؛ اما استثنائاً بنا به دلایلی، مسئولیت بدون تقصیر نیز پذیرفته شده و شخص به صرف انجام عمل موجب زیان، ملزم به ترمیم و جبران آن دانسته می شود؛ مانند احکام و مقررات حاکم بر اتلاف، ید ضمانی و غصب که شرح آن گذشت. این مسئولیت که در مصادیق یاد شده برمبنای استدلالی خاصی متکی است، به منظور کاهش صدمات و لطمات ناشی از حوادث رانندگی، در قالب قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی جلوه ای دیگر می یابد؛ قانونی که می توان آن را تلاشی مؤثر در تحقق چنین هدفی دانست و بر آن بود که تحمیل ضمان بر شخص مقصر لزوماً ملاک منحصر احقاق حق و اجرای عدالت نیست؛ زیرا چه بسا اعمالی که متضمن تعمد و تسامحی نبوده، اما دیگری را متحمل زیان و خسارت کرده است.

بنابراین، وضع مواد قانونی ناظر بر مسئولیت بدون تقصیر، همگی مستظهر و مستند به دلایل متقن و قابل دفاعی است که این برخورد سختگیرانه قانونی را تعلیل و تبیین می نماید.

پی نوشت ها:

۱ - قاسم زاده، دکتر مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ اول، انتشارات دادگستر، تهران، ۱۳۷۸، ص ۳۱۱.

۲ - کاتوزیان، دکتر ناصر، وقایع حقوقی، چاپ دوم، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۴.

۳ - السنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط، جلد اول، انتشارات للجامعات المصریه، قاهره، ۱۹۵۲، ص ۳۰۹.

۴ - حسینی نژاد، دکتر حسینقلی، مسئولیت مدنی، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۷۷، ص ۳۱.

۵ - موسوی بجنوردی، میرزا حسن، القواعد الفقهیه، جلد دوم، چاپ نجف، ۱۳۹۰ق، ص ۱۷.
۶ - کاتوزیان، دکتر ناصر، ضمان قهری (مسئولیت مدنی)، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۵۲.

۷ - امیری قائم مقامی، دکتر عبدالمجید، حقوق تعهدات، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۶، ص ۱۶۱.

۸ - کاتوزیان، دکتر ناصر، مأخذ پیشین، ص ۱۳۸ و امامی، دکتر سید حسن، مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ص ۱۳۰.

۹ - قاسم زاده، دکتر مرتضی، مأخذ پیشین، ص ۳۰۲.